



شبکه معنایی موضوعات قرآن

«معرفی شش رویکرد در تفسیر موضوعی قرآن کریم»

محمد خامه‌گر

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

چکیده:

روش تفسیر موضوعی یکی از روش‌های کارآمد و نوین در عرصه قرآن پژوهی است. با کمک تفسیر موضوعی می‌توان معارف قرآن را به شیوه‌ای سامانمند و سازگار با نیازها و موضوعات بی‌شمار هر عصری ارائه نمود و پاسخ‌ها و راهکارهای عملی از قرآن دریافت نمود. توانمندی‌های ذاتی تفسیر موضوعی موجب شده تا محققان به رویکردهای جدیدی از تفسیر موضوعی بیندیشند. در این نوشتار افزون بر رویکرد رایج تفسیر موضوعی، به رویکردهای دیگر تفسیر موضوعی مانند تفسیر موضوعی به حسب نزول، تفسیر موضوعی به ترتیب مصحف، تفسیر موضوعی بر مبنای ساختار سوره، تفسیر موضوعی به سبک مصحفی - ساختاری و تفسیر موضوعی به سبک نزولی-ساختاری نیز پرداخته شده است و مبانی، قواعد و اصول هر یک با ارائه یک نمونه گزارش شده است. با توجه به اینکه سبک‌های مختلف تفسیر موضوعی هر یک از زوایای مطالعه دیدگاه قرآن درباره یک موضوع می‌پردازند، اما هیچ یک نگاهی جامع و کامل از مدل قرآن در تحلیل و بررسی موضوع ارائه نمی‌دهد. در انتهای نوشتار پیشنهاد شده برای دستیابی به روشی جامع، با استفاده از قابلیت‌ها و توانمندی‌های سبک‌های مختلف، شبکه معنایی موضوعات قرآنی ترسیم گردد.

کلید واژه‌ها:

تفسیر موضوعی / سبک نزولی / سبک ساختاری / ساختار سوره / ترتیب نزول / ترتیب مصحف

پیش‌گفتار

مفسران و اندیشمندان در هر عصری به تناسب نیازها و شرایط موجود زمانه خود با رویکردی متفاوت به قرآن نگریسته‌اند و با بازخوانی کلام الهی، برای یافتن پاسخ‌های مناسب به چالش‌ها گام برداشته‌اند. تحول تفسیر قرآن از روایی به اجتهادی در سده پنجم هجری توسط شیخ طوسی، نمونه‌ای از این تلاش مقدس است.

در سده اخیر این حرکت مبارک ابعاد وسیع‌تری یافته است و مفسران، سبک‌ها و رویکردهای نوینی در تفسیر قرآن ابداع نموده‌اند، از جمله می‌توان به روش تفسیر موضوعی در کنار تفسیر ترتیبی اشاره نمود.

اقبال به تفسیر موضوعی قرآن در سده اخیر ریشه در کاستی‌های تفسیر ترتیبی و کارآمدی و توانایی تفسیر موضوعی دارد (همان، ۲۷). با کمک تفسیر موضوعی می‌توان معارف قرآن را به شیوه‌ای سامانمند و سازگار با نیازها و موضوعات بی‌شمار هر عصری ارائه نمود و پاسخ‌ها و راهکارهای عملی از قرآن دریافت نمود. همان‌گونه که شهید صدر معتقد است این روش تنها راهی است که ما را قادر می‌سازد تا در مقابل موضوعات مختلف زندگی به نظریه‌های اساسی اسلام و قرآن دست یابیم. (صدر/۳۳)

روش تفسیر موضوعی سالیانی چند تنها با یک رویکرد و سبک خاص ارائه می‌شد. در این رویکرد مفسر پس از تعیین یک موضوع یا سؤال، به بررسی و جمع‌آوری آیات قرآن پیرامون آن می‌پردازد و سپس با ساماندهی آنها بر اساس چینش منطقی، دیدگاه قرآن را گزارش می‌کند.

این روش با همه فواید و کارکردهایی که دارد، در مواردی از پاسخگویی به پرسش‌های معرفتی و روش شناختی ناتوان است. برای مثال با کمک رویکرد رایج تفسیر موضوعی می‌توان به دیدگاه قرآن پیرامون احکام و اهمیت حجاب دست یافت، اما این رویکرد پاسخ روشنی برای روش نهادینه کردن فرهنگ حجاب در جامعه ندارد.



نیازهای نوظهور و چالش‌های بی‌پایان جامعه بشری از یک سو و توانمندی‌های ذاتی تفسیر موضوعی از سوی دیگر موجب شده تا محققان به رویکردهای جدیدی از تفسیر موضوعی مانند تفسیر موضوعی بر حسب نزول گرایش یابند. در این نوشتار افزون بر توصیفی مجدد از رویکرد رایج تفسیر موضوعی، به رویکردهای دیگری که در این زمینه به وجود آمده و یا قابل بحث و ارائه هستند نیز اشاره می‌شود. در مجموع رویکردهای مورد بحث به شرح زیر است:

۱. تفسیر موضوعی به ترتیب منطقی (رویکرد رایج)

۲. تفسیر موضوعی به حسب نزول

۳. تفسیر موضوعی به ترتیب مصحف

۴. تفسیر موضوعی بر مبنای ساختار سوره

۵. تفسیر موضوعی به سبک مصحفی - ساختاری

۶. تفسیر موضوعی به سبک نزولی - ساختاری

۷. تفسیر موضوعی جامع (شبکه معنایی قرآن)

گفتنی است از سبک‌های یاد شده، سبک اول و دوم مورد توجه اندیشمندان و قرآن پژوهان واقع شده و آثاری نیز درباره اصول و مبانی آنها تدوین گشته است، اما درباره سایر سبک‌های ذکر شده تاکنون نگارنده به مقاله یا کتابی برخورد نکرده است. از این رو آنچه در نوشتار ذکر می‌شود را باید به عنوان راهکارهایی برای توسعه سبک تفسیر موضوعی تلقی نمود.

تفسیر موضوعی به ترتیب منطقی (رویکرد رایج)

تفسیر موضوعی به روشی که هم اکنون رایج و مرسوم است و هزاران جلد کتاب در صدها موضوع بر اساس آن نوشته شده، چنین تعریف شده است: «تفسیر موضوعی کوششی است بشری در فهم روشمند پاسخی از قرآن به مسائل و موضوعات زنده عملی و نظری برخاسته از معارف بشری و احوال حیات جمعی، در سایه گردآوری آیات که انتظار می‌رود قرآن سخن حقی درباره آن داشته باشد.» (جلیلی، ۱۴۳/۱- با اندکی تصرف)

به عبارت ساده‌تر، تفسیر موضوعی یعنی «آیات مختلفی که درباره یک موضوع در سراسر قرآن مجید درباره حوادث و فرصت‌های مختلف آمده است، جمع‌آوری و جمع‌بندی می‌گردد و از مجموع آن، نظر قرآن درباره آن موضوع و ابعاد آن روشن می‌شود. مثلاً آیات مربوط به دلایل خداشناسی از قبیل فطرت، برهان نظم، برهان وجوب و امکان و سایر براهین در کنار هم چیده شوند و از آنجا که «القرآن یفسر بعضه بعضا»، ابعاد این موضوع روشن می‌گردد.» (مکارم، ۲۱/۱)

همان گونه که در این تعریف مشخص است، در تفسیر موضوعی رایج پس از گردآوری آیات قرآن پیرامون یک موضوع، مفسر و مؤلف بر اساس نظامی خودساخته به موضوع بندی و چینش آیات می‌پردازد و به کیفیت چینش آیات در سوره‌ها یا چینش سوره‌ها در قرآن و ترتیب نزول آیات و سوره‌ها هیچ توجهی نمی‌نماید.

مبانی و پیش فرض‌ها

تفسیر موضوعی به روش مرسوم بر چند پیش فرض استوار است. مهم‌ترین مبنا این روش تفسیری، «سازگاری درونی آیات قرآن» است. مفسر موضوعی بر آن است که آیات قرآن با وجود تعدد مواضع و تنوع در طرح موضوعات، هماهنگ و سازگارند و چنان نیستند که یکدیگر را برآشوبند و یکی زیر پای دیگری را خالی کند و نه تنها عاری از تیغ تعارض‌اند، بلکه مؤید و گواه صدق یکدیگرند. (جلیلی، ۱۷۸)

مفسر موضوعی به جامعیت قرآن در یک موضوع نیز اعتقاد دارد، از این رو وقتی در یک نگرش فراگیر به مجموعه قرآن نظر می‌کند، با آنکه در برابر خود آیاتی پراکنده می‌یابد، اما در تلاشی دامنه‌دار می‌کوشد آیات را دسته‌بندی و سامان دهدی نماید تا پاسخ پرسش‌های خود را دریابد؛ چرا که بر آن است که خداوند سبحان آنچه را ضروری و بایسته بوده، در خصوص هر موضوعی - که انتظار پاسخگویی قرآن در آن زمینه می‌رود - بیان کرده است و در این رابطه چیزی فرو گذار ننموده است. بنابراین اگر مسئله انفاق را در قرآن می‌کاود، انتظار دارد با دسته‌بندی آیات و در کنار هم نهادن آنها، آنچه به دنبال آن است را به دست آورد.



افزون بر این، مفسر موضوعی کار خود را بر این پیش فرض استوار می‌سازد که بررسی آیات جدای از جایگاه تاریخی آنان در ترتیب نزول و جایگاه جغرافیایی شان در ساختار سوره، مشکل خاصی در فهم مراد جدی خدا ایجاد نمی‌کند و بدون توجه به آنها هم می‌توان درک درستی از مفاهیم آیات داشت. از این رو در گزینش، چینش و برداشت آیات توجهی به ترتیب نزول یا جایگاه آیه در ساختار سوره ندارد.

اصول و قواعد

برای راهیابی به دیدگاه قرآن پیرامون یک موضوع به روش تفسیر موضوعی لازم است مراحل شش‌گانه زیر را طی نمود:

۱. موضوع‌یابی: یعنی تعیین موضوعی جزئی یا کلی و یا مسئله‌ای در خور پژوهش از دیدگاه قرآن.

۲. استخراج آیات: ارائه جامع‌ترین تحلیل و تصویر از نگرش قرآن درباره هر مسئله‌ای منوط به بازکاوی همه آیات مرتبط است. زیرا چه بسا با غفلت از یک آیه، بخشی از منظر و پاسخ قرآن در هاله‌ای از ابهام فرو رود و آنچه عرضه می‌شود، بسان تصویری نیم رخ از یک چهره است. برای شناسایی آیات به معجم‌های لفظی و موضوعی مراجعه می‌شود و در صورت لزوم، محقق به طور مستقیم نیز به آیات قرآن مراجعه می‌نماید.

۳. دسته‌بندی روشمند آیات: آیات ناظر به یک موضوع کلان و خُرد پس از استخراج، نیازمند دسته‌بندی روشمندانه است تا پیام‌ها و مدالیل آنها با نظم و سازمان مناسب به ذهن تداعی کند و با همین نظم روشمند ارائه گردند. به عنوان مثال اگر قرار باشد موضوع امامت و ولایت در آیات قرآن مورد بررسی قرار گیرد، پس از استخراج آیات لازم است که آنها به امامت عامه و امامت خاصه تقسیم گردد.

۴. استخراج مدلول آیات بر اساس مبانی تفسیر: پس از آنکه آیات ناظر به یک موضوع به صورت بدوی دسته‌بندی شدند، لازم است مبانی و قواعد تفسیر درباره هر یک از آیات به طور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گیرند. مقصود از مبانی

تفسیر، اصولی همچون واژه‌شناسی، قواعد ادبی و بلاغی، بررسی دیدگاه مفسران و ... می‌باشد.

۵. استنتاج نظرگاه‌های قرآن با مقارنه و چندسونگری به مدلول آیات: در این مرحله نظرگاه‌های قرآن درباره هر یک از موضوعات و پرسش‌های پیرامون آن به دست می‌آید.

۶- ارزیابی نتایج با معیارها و قراین دیگر: مقصود از این معیارها و قراین حداقل دو معیار سنت و عقل است. سنت در تمام عرصه‌های قرآنی و عقل در حوزه گزاره‌های عقلانی قرآنی با رعایت اصول و مبانی متناسب با هر یک از آنها می‌توانند به عنوان قراین درباره آیات قرآن نقش‌آفرینی کنند. (نصیری، فصلنامه اندیشه نوین دینی، شماره ۳)

بررسی نماز از دیدگاه قرآن به روش تفسیر موضوعی

به منظور آشنایی ملموس‌تر خوانندگان با هر یک از رویکردهای تفسیر موضوعی، در نظر است موضوع نماز در قرآن از منظر روش‌های مختلف بررسی گردد.

اگر آیات مربوط به نماز را دسته بندی نماییم، متوجه می‌شویم که قرآن کریم در خصوص نماز به نکات بسیاری اشاره کرده است؛ از جمله آثار نماز، آداب نماز، احکام نماز، نماز جمعه، اهمیت نماز، اوقات نماز، پاداش نماز، خشوع در نماز، سبک شماردن نماز، شرایط نماز، فایده نماز، فلسفه نماز، نماز جماعت، نماز خوف، وقت نماز و

از آنجا که خوانندگان این نوشتار با تفسیر موضوعی رایج کاملاً آشنا می‌باشند، از بررسی گسترده این موضوع در این مجال اجتناب می‌کنیم و به عناوین کلی فوق بسنده می‌کنیم و علاقمندان را به کتاب‌های متعددی که در این رابطه نوشته شده است، مانند کتاب «فرهنگ قرآن» اثر مرکز فرهنگ و معارف قرآن ارجاع می‌دهیم.



تفسیر موضوعی به حسب نزول

یکی از روش‌های نوپدید در بررسی موضوعی دیدگاه‌های قرآن، بررسی سیر تطور و شکل‌گیری موضوع در بستر نزول است. بدین‌سان که مفسر به جای چینش آیات مربوط به یک موضوع بر اساس نظم مورد نظر خود، آنها را به ترتیب چینش الهی در هنگام نزول مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهد تا از این رهگذر، نکات تربیتی، تاریخی و روش‌شناسانه را پیرامون دیدگاه قرآن درباره یک موضوع به دست آورد.

استفاده از این روش دستاوردهای فراوانی دارد، از جمله آنکه با بررسی یک موضوع به ترتیب نزول می‌توان به روش نهادینه کردن ارزش‌های دینی در جامعه پی برد؛ امری که با تفسیر موضوعی به روش‌های رایج در بیشتر موارد مقدور و میسر نمی‌باشد. برای مثال کسانی که آیات مربوط به انفاق را به روش تفسیر موضوعی در قرآن بررسی کرده‌اند، به عناوینی همچون اهمیت انفاق، انواع، موارد مصرف و موانع آن اشاره کرده‌اند، اما به این پرسش پاسخ نداده‌اند که چگونه و با طی چه مراحل می‌توان رفتار افراد را در رابطه با انفاق تغییر داد و آن را به یک خصلت اخلاقی ثابت درآورد؟ همین پرسش درباره نماز، خداآوری، آخرت‌ترسی و سایر ارزش‌های دینی نیز مطرح است.

اما با مطالعه روشمند قرآن به ترتیب نزول می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ گفت و فرآیندی را که طی آن ارزشی مانند انفاق به رفتاری اجتماعی تبدیل می‌شود ترسیم نمود.

به گزارش سوره بلد که در سال دوم بعثت نازل شده، برخی از نومسلمانان به راحتی حاضر نبودند در راه خدا انفاق کنند و وظایف مالی خود را به درستی انجام دهند، از این رو هنگامی که می‌خواستند چیزی در راه خدا بدهند، آن را با اکراه انجام داده و می‌گفتند: «مالی را که به سختی به دست آوردم تباه کردم»؛ ﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا﴾ (بلد/۶). اما همین افراد در مدت چند سال و با پیروی از تعالیم قرآن به مرحله‌ای می‌رسند که به گزارش سوره حشر که در مدینه نازل شده، برای جلب رضای خدا همه اموال خود را در مکه رها نموده و به فرمان رسول خدا به

مدینه هجرت می کنند؛ ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (حشر/۸).

برای آنکه مشخص شود مسلمانان چه فرآیندی را طی نمودند تا به این مرحله رسیدند، باید سراغ روش تفسیر موضوعی به حسب نزول رفت و مجموعه آیاتی که درباره انفاق نازل شده است را به ترتیب نزول بررسی نمود و روش گام به گام قرآن برای فرهنگ سازی و نهادینه نمودن این ارزش را تبیین کرد.

از دیگر کارکردهای روش تفسیر موضوعی به حسب نزول، فراهم آمدن امکان ترسیم منحنی‌های تحول موضوعی قرآن است. با این روش می‌توان بسامد هر موضوع را در سال‌های مختلف نزول وحی مشخص نمود. اگر منحنی‌های تحول موضوعی با مبانی و قواعد معتبر و اثبات شده علمی ترسیم گردد، می‌توان مهم‌ترین چالش‌های مسلمانان را در هر یک از سال‌های نزول قرآن به دست آورد و از رهگذر آن، فضای نزول سوره‌های قرآن را تبیین کرد و تاریخ اسلام را از منظر تحولات فکری و چالش‌های دینی مسلمانان تدوین نمود.

برای ترسیم این منحنی‌ها ابتدا فراوانی آیات پیرامون یک موضوع در سال‌های مختلف بعثت و هجرت تعیین می‌شود، سپس با قرار دادن آنها در یک نمودار میله‌ای، منحنی سیر تطور آن موضوع ترسیم می‌گردد.

مهندس مهدی بازرگان در کتاب «سیر تحول قرآن» با مطالعه نزولی و تاریخی آیات قرآن بر اساس مبانی پیشنهادی خود، منحنی‌های تحول موضوعاتی همچون توحید، نبوت، معاد، جهاد و احکام را ترسیم کرده است. (بازرگان، ۱۵۷/۱-۲۱۰) وی در این جدول‌ها نشان داده است بیشترین آیات مربوط به احکام فقهی در سال نهم هجری نازل شده و بیشترین آیاتی که در توصیف بهشت و جهنم نازل شده، مربوط به سال سوم بعثت بوده و کمترین آیات مربوط به این موضوع مربوط به سال هفتم بعثت است. (همان، ۱۷۸)



مبانی و پیش فرض‌ها

این رویکرد تفسیری بر چند مبنا استوار است:

۱. دستیابی به ترتیب نزول سوره‌های قرآن با استفاده از روش‌های معتبر علمی میسر است. تعیین ترتیب نزول آیات و سوره‌های قرآن با دو شیوه ممکن است: الف) تعیین ترتیب نزول به شیوه روایی: روایاتی وجود دارد که در آنها ترتیب سوره‌های قرآن بر حسب نزول آمده است. این روایات به چهارده تن از صحابه و تابعان می‌رسد و افراد مذکور عبارت‌اند از: ۱- حضرت علی علیه السلام (م ۴۰) ۲- ابن عباس (م ۶۸) ۳- جابر بن زید (م ۹۳) ۴- امام سجاد علیه السلام (م ۹۴) ۵- محمد بن نعمان (م ح ۱۱۰) ۶- مجاهد (م ۱۰۴) ۷- ضحاک (م بعد ۱۰۰) ۸- عکرمه (م ۱۰۵) ۹- حسن بصری (م ۱۱۰) ۱۰- زهری (م ۱۲۳) ۱۱- عطاء خراسانی (م ۱۳۵) ۱۲- امام صادق علیه السلام (م ۱۴۸) ۱۳- مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰) ۱۴- حسین بن واقد (م ۱۵۹). از میان این چهارده روایت، تنها یک سند وجود دارد که تمام راویان آن معروف و موثق هستند و آن، روایت عطاء خراسانی از ابن عباس است (نکونام، ۱۳۵). بنابراین گرچه نمی‌توان به ترتیب موجود در روایات ترتیب نزول به دیده قطعی نگریست و اجمالاً ضعف سند و اضطراب در متن آنها مشاهده می‌شود، اما به طور کلی نیز نمی‌توان آنها را از اعتبار ساقط کرد، بلکه می‌توان ترتیب موجود در یکی از آنها را که از نظر سند، متصل و صحیح است، مبنا قرار داد و جابجایی‌های احتمالی سوره‌ها در آن را با کمک دیگر روایات ترتیب نزول و شواهد و دلایل دیگر ترمیم و تصحیح کرد.

ترتیب سوره‌ها طبق روایت ابن عباس و تکمیل آن مطابق روایت جابر بن زید با تصحیح از روی نسخه‌های متعدد قابل اعتماد عبارت است از:

سوره‌های مکی: علق، قلم، مزمل، مدثر، حمد، مسد، تکویر، اعلی، لیل، فجر، ضحی، انشراح، عصر، عادیات، کوثر، تکاثر، ماعون، کافرون، فیل، فلق، ناس، توحید، نجم، عبس، قدر، شمس، بروج، تین، قریش، قارعه، قیامت، همزه، مرسلات، ق، بلد، طارق، قمر، ص، اعراف، جن، یس، فرقان، فاطر، مریم، طه، واقعه، شعراء، نمل، قصص، اسراء، یونس، هود، یوسف، حجر، انعام، صافات،

لقمان، سبأ، زمر، مؤمن (غافر)، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، احقاف، ذاریات، غاشییه، کهف، نحل، نوح، ابراهیم، انبیاء، مؤمنون، سجده، طور، ملک، حاقه، معارج، نبأ، نازعات، انفطار، انشقاق، روم، عنکبوت، مطففین.

سوره‌های مدنی: بقره، انفال، آل عمران، احزاب، ممتحنه، نساء، زلزال، حدید، محمد، رعد، رحمان، دهر، طلاق، بینه، حشر، نصر، نور، حج، منافقون، مجادله، حجرات، تحریم، جمعه، تغابن، صف، فتح، مائده، توبه. (معرفت، تاریخ قرآن، ۷۳/ ب) تعیین ترتیب نزول بر اساس اجتهاد: کسانی که روایات ترتیب نزول را غیر قابل اعتماد می‌دانند، ناچار باید راه دیگری را در تعیین مکی و مدنی بودن سوره‌ها و نیز ترتیب نزول آنها بیمایند که این راه عمدتاً بر اساس شاخص‌ها و امور غیر نقلی است.

علامه طباطبایی پس از غیر قابل اعتماد دانستن روایات ترتیب نزول می‌فرماید: «تنها راه برای تشخیص ترتیب سوره‌های قرآنی و مکی و مدنی بودن آنها، تدبر در مضامین آنها و تطبیق آن با اوضاع و احوال پیش از هجرت و پس از هجرت می‌باشد. این روش تا اندازه‌ای که پیش می‌رود، برای تشخیص ترتیب سوره‌ها و آیات قرآنی و مکی یا مدنی بودن آنها سودمند می‌باشد. چنان که مضامین سوره‌های انسان و عادیات و مطففین به مدنی بودن آنها گواهی می‌دهد، اگر چه برخی از این روایات آنها را جزء سوره‌های مکی قرار می‌دهد.» (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۱۱/)

یکی از کسانی که ترتیب نزول سوره‌های قرآن را بر اساس استنباط خود مشخص کرده است، مهندس مهدی بازرگان است. او معتقد است که طول آیات در سیر نزول قرآن دارای تحولی مستمر بوده است؛ یعنی از کوتاه به بلند در حال تغییر بوده است. طول آیات هیچ سوره‌ای با سوره دیگر مشترک نیست. روش به دست آوردن طول متوسط یک سوره آن است که تعداد کلمات یک سوره را بر تعداد آیات آن تقسیم نماییم (بازرگان، ۱۴/). وی کلیه سوره‌های قرآن کریم را کلمه شماری کرده و طول متوسط هر یک را محاسبه کرده و ردیفی از سوره‌ها را بر



اساس افزایش طول متوسط ترتیب داده است. بدین سان ترتیب نزول آنها را مشخص کرده است.

۲. چینش آیات در سوره‌ها با نظم نزولی قرآن هماهنگ است: شواهد و قراین فراوانی نشان می‌دهد که بیشتر سوره‌های قرآن یکباره نازل شده است، زیرا همه سوره‌های کوچک قرآن و بسیاری از سوره‌های بزرگ مانند انعام، آل عمران، یوسف، یکجا نازل شده‌اند (طباطبایی، المیزان، ذیل سوره‌های مذکور) و هیچ یک از روایاتی که سخن از وجود آیات مکی در سوره‌های مدنی و یا بالعکس دارد، از اعتبار کافی برخوردار نیست.

افزون بر این همگام با نزول سوره، جایگاه آیات نیز به طور طبیعی مشخص می‌شد. از ابن عباس نقل است که فرمود: «کان رسول الله لا یعرف ختم السوره حتی ینزل علیه بسم الله الرحمن الرحیم»؛ یعنی پیامبر پایان سوره قبلی و شروع سوره بعدی را با نزول «بسم الله الرحمن الرحیم» در می‌یافتند. (واحدی، ۱۷/؛ سیوطی، الدرالمشثور، ۷/۱)

این روایت نشان می‌دهد آیات به ترتیبی که هم اکنون در سوره‌ها قرار گرفته‌اند، نازل شده‌اند و اگر پیش از پایان رسیدن یک سوره نزول وحی منقطع می‌شد، آیات بعدی در ادامه آنها نازل شده و در کنار آنها قرار می‌گرفتند. این روال تا زمانی که «بسم الله الرحمن الرحیم» دیگری نازل می‌شد ادامه می‌یافت. بنابراین همان گونه که برای مشخص نمودن ترتیب نزول سوره‌ها به جدول‌های معتبر مراجعه می‌نماییم، برای تعیین ترتیب نزول آیات تنها کافی است که به جایگاه آنها در سوره توجه کنیم. البته غیر از «ترتیب طبیعی» عامل دیگری نیز در نظم بخشیدن به آیات قرآنی دست داشته است و آن تصریح حضرت رسول ﷺ مبنی بر سازمان یافتن آیه یا آیاتی به ترتیبی به جز «ترتیب طبیعی» آنهاست. چنین مواردی بسیار اندک و خلاف اصل است، اما در صورتی که بتوان موردی را به استناد روایات و شواهد قابل اعتماد اثبات کرد، باید به جایگاه نزولی آیه در فرآیند تفسیر موضوعی توجه نمود.

۳. ترتیب نزول آیات قرآن برای همه زمان‌ها حجت است. خداوند با نزول تدریجی آیات قرآن در مدت اندکی، جامعه بدوی و شرک‌آلود عرب جاهلی را به

جامعه‌ای متدین و متمدن و فرهنگ‌ساز تبدیل نمود و ارزش‌های دینی و انسانی را در آن نهادینه کرد. این کارکرد قرآن تنها مخصوص عصر نزول نیست، بلکه در هر زمانی می‌توان روش جامعه‌سازی قرآن را که در ترتیب نزول سوره‌ها و آیات متجلی شده است، کشف و ارائه کرد.

بررسی آیات نماز به ترتیب نزول

در سبک تفسیر موضوعی به حسب نزول، پس از مشخص شدن موضوع مورد نظر، آیات مرتبط از قرآن استخراج شده و سپس آیات به ترتیب نزول سوره‌ها منظم می‌گردد. آن گاه بر اساس نظم نزولی آیات، به استنباط نکات تربیتی و تاریخی و روش‌شناسانه می‌پردازیم.

در قرآن کریم ۹۰ آیه در ۳۷ سوره به نماز اختصاص دارد. بررسی آیات نماز به ترتیب نزول نشان می‌دهد که در عصر نزول، فرهنگ نماز با چه مدلی ترویج و نهادینه شده است. اگر آیات را به ترتیب نزول مرتب نماییم، متوجه می‌شویم نماز و مسائل مربوط به آن در یک فرآیند چند مرحله‌ای به شرح زیر بیان شده است. لازم به ذکر است که اعدادی که در مقابل سوره‌ها نگاشته می‌شوند، بیانگر ترتیب نزول آنهاست.

۱. نکوهش مخالفان نماز: نخستین آیه‌ای که به مسئله نماز می‌پردازد، آیه ۱۰ سوره علق است. در این آیه فردی که دیگران را از به جا آوردن نماز نهی می‌کند، به شدت نکوهش می‌شود و اعلام می‌نماید که چنین فردی به زودی با حالتی ذلت‌بار وارد دوزخ خواهد شد. (علق/۱: ۹ و ۱۰)

۲. تبیین اثر نماز یا ترک آن در سعادت انسان: در آیه پایانی سوره مزمل که سومین سوره نازل شده است، برای نخستین بار به اقامه نماز فرمان داده می‌شود و به پاداش بزرگی که این عمل و سایر عبادات نزد خدا دارد، تأکید می‌شود (مزمل/۳: ۲۰). آیات بعدی نیز یا به نکوهش کسی که نماز نمی‌خواند و آن را سبک می‌شمارد می‌پردازد و مجازات و عذاب او را یادآور می‌شود (مدثر/۴: ۴۳، ماعون/۱۷: ۴، قیامه/۳۱: ۳۱، مریم/۴۴: ۵۹)، و یا به تشویق نمازگزاران و بیان آثار



مثبت آن در دنیا و آخرت می‌پردازد (اعلی/۸: ۱۵؛ کوثر/۱۵: ۲، اعراف/۳۹: ۱۷۰، فاطر/۴۳: ۱۸ و ۴۳).

اگر به شماره نزول سوره‌ها که در مقابل آنها درج شده است دقت نمایید، متوجه می‌شوید که تقریباً پس از هر توییح و هشدار، یک یا دو تشویق و وعده مثبت وجود دارد. به این ترتیب در مدل مبتنی بر نظم نزولی قرآن برای دعوت به نماز، ضمن آنکه هم به وعده توجه شده است و هم به وعید، اما بر وعده و بیان ثواب و آثار مثبت نماز بیشتر تأکید شده است.

۳. الگو سازی: از سوره مریم/۴۴ فضای جدیدی بر آیات نماز حاکم می‌شود و نماز خواندن و دعوت دیگران به آن، شیوه اولیاء الله و اهل تقوا شمرده می‌شود و بدین ترتیب به الگو سازی برای نمازگزاران می‌پردازد. در این آیات ابتدا از زبان حضرت عیسی علیه السلام نقل می‌شود که خداوند او را به نماز و زکات امر کرده است؛ (مریم/۴۴: ۳۱). سپس از حضرت اسماعیل یاد می‌کند که خانواده خود را به نماز و زکات امر می‌کرده است؛ (مریم/۴۴: ۵۵). در ادامه و در سوره طه/۴۵ آیه ۱۳۳ نیز به پیامبر فرمان داده می‌شود که خانواده‌اش را به برپایی نماز فرمان دهد و خودش نیز در مداومت بر آن کوشا باشد. و در انتها در سوره نمل/۴۸: ۳ اقامه نماز همراه با دادن زکات روش کسانی شمرده شده که به آخرت یقین دارند.

۴. بیان نخستین احکام نماز: از سوره اسراء و با نزول آیه ﴿اقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ﴾ بیان احکام شرعی نماز شروع می‌شود. نخستین حکم مربوط به زمان اقامه نمازهای پنج‌گانه است که در سوره اسراء/۵۰: ۷۸ و سپس با فاصله اندک در سوره هود/۵۲: ۱۱۴ بر آن تأکید می‌شود. این تأکید نشان می‌دهد که در فرآیند شکل‌گیری فرهنگ نماز، رعایت اوقات نماز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حکم شرعی دیگر در رابطه با آهسته خواندن یا بلند خواندن نمازهای یومیه است (اسراء/۵۰: ۱۱۰) که از نظر ترتیب نزولی بین دو آیه مربوط به اوقات نماز قرار دارد.

پس از بیان برخی از احکام نماز، بر مراقبت از نماز و رعایت آداب و شرایط آن تأکید می‌شود و در این رابطه از عباراتی مانند رعایت تقوا (انعام: ۷۲ «وَأَنْ أَقِيمُوا

الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ» و محافظت از نماز (انعام: ۹۲ «وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ») استفاده می‌شود.

گفتنی است پس از این دو حکم فرعی نماز که در مکه و در حدود سال هشتم بعثت نازل شده است، تا ده سال بعد یعنی حدود سال پنجم هجرت که آیه ۴۳ سوره نساء ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾ نازل می‌شود، در آیات قرآن به هیچ یک از احکام فرعی نماز تصریح نشده است.

۵. بیان ارزش‌های هم‌افزا و همنشین با نماز: یکی از اصول نهادینه‌سازی یک ارزش در فرد و جامعه این است که ارزش‌های دیگری که در تحکیم آن تأثیر مثبت دارد و زمینه‌ساز شکل‌گیری یا عامل تثبیت آن ارزش در روح و جان آدمی می‌شود، همراه با آن ترویج و تأکید شود. از این رو در ترتیب نزولی آیات پس از آنکه بر اصل وجوب نماز و برپا داشتن آن تصریح شد، در ادامه به ارزش‌ها و عناصری که نقش همنشینی و هم‌افزایی با نماز را دارند تأکید می‌شود.

مهم‌ترین ارزش هم‌افزا با نماز، پرداخت‌های مالی مانند انفاق و زکات است. انفاق تأثیر بسزایی در آماده‌سازی روح انسان برای عبادت و بندگی خدا دارد. از این رو از نخستین آیاتی که درباره نماز نازل شده است، از انفاق یا زکات نیز سخن گفته می‌شود. مانند: مزمل/۳: ۲۰، فاطر/۴۳: ۲۹، مریم/۴۴: ۳۱ و ۵۵. اما از سوره لقمان/۵۷: ۴ به بعد، تأکید بر هم‌افزایی نماز و زکات پررنگ‌تر می‌شود. مانند شوری/۶۲: ۳۸ و ابراهیم/۷۲: ۳۱.

دیگر ارزش‌های هم‌افزا عبارت‌اند از: یقین به آخرت (لقمان/۵۷: ۴، ابراهیم/۷۲: ۳۱)، امر به معروف و نهی از منکر (لقمان/۵۷: ۱۷)، صبر بر مشکلات (لقمان/۵۷: ۱۷)، مشورت با مؤمنان (شوری/۶۲: ۳۸).

اگر این مسیر را تا انتهای آیاتی که به ترتیب نزول درباره نماز نازل شده است ادامه بدهیم، به مدل نزولی قرآن برای نهادینه کردن فرهنگ نماز دست می‌یابیم.



تفسیر موضوعی به ترتیب مصحف

یکی از روش‌های بررسی موضوعات در قرآن کریم، تحلیل و بررسی موضوع به ترتیب ارائه آیات مرتبط با آن در قرآن است. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، این رویکرد تاکنون مورد توجه قرآن پژوهان قرار نگرفته است.

این رویکرد از جهت روش شناختی و کارکردی به رویکرد سابق که در آن موضوع مورد بحث از منظر سیر نزولی قرآن بررسی می‌شد شباهت دارد و به وسیله آن می‌توان روش نهادینه کردن یک ارزش و هنجار دینی را در جامعه بررسی نمود، با این تفاوت که در آنجا ترتیب نزول معیار چینش و استنباط قرار می‌گیرد و در این رویکرد، ترتیب مصحف معیار قرار می‌گیرد.

مبانی و پیش فرض‌ها

اگر بخواهیم با استناد به این رویکرد به استنباط و استخراج آموزه‌های قرآنی بپردازیم، لازم است مبانی زیر را به عنوان اصول موضوعه باور داشته باشیم.

۱. چینش آیات و سوره‌های قرآن توفیقی است: درباره ترتیب سوره‌ها در قرآن که آیا توفیقی است و با اشاره پیامبر صورت گرفته است و یا اجتهادی است و پس از رحلت آن حضرت به اجتهاد صحابه شکل گرفته است، اختلاف نظر وجود دارد. دانشمندان شیعی بسیاری چه در گذشته و چه در حال، بر جمع و ترتیب قرآن در زمان پیامبر ﷺ تأکید کرده‌اند که از میان آنها اشخاص ذیل را می‌توان نام برد:

سید مرتضی، (مجمع البیان، ۱/۱۵؛ التمهید، ۱/۲۸۳)، شیخ صدوق (اعتقادات، ۸۲، باب ۳۱)، امین الاسلام طبرسی (مجمع البیان، ۱/۱۳)، فتح الله کاشانی (منهج الصادقین، ۱/۱۳)، سید بن طاووس (سعد السعود، ۳۹/۳۹-۴۰)، شیخ حر عاملی (الفصول المهمة، ۱۶۶/۱۶۶)، علامه شرف الدین (اجوبة مسائل، ۳۹/۳۹-۴۰)، آیت الله خویی (البیان فی تفسیر القرآن، ۲۳۹-۲۵۹)، محمد تقی شریعتی (تفسیر نوین، ۱۶/۱۶)، علامه سید مرتضی عسکری (القرآن الکریم و روایات المدرستین)، آیت الله حسن زاده آملی (قرآن هرگز تحریف نشده است، ۲۶/۲۶)، دکتر محمد حسین علی الصغیر

(دراسات قرآنية، تاريخ القرآن، / ۷۰-۷۲)، سيد جعفر مرتضى عاملی (حقیقی مهم پیرامون قرآن کریم، / ۴۷) و علی کورانی (تدوین القرآن، / ۲۳۱).

از دانشمندان متأخر و معاصر اهل سنت نیز بسیاری بر این باورند که ترتیب سور توقیفی است، از جمله: آلوسی (روح المعانی، / ۲۵۱)، شیخ محمود شلتوت (تفسیر القرآن الکریم، / ۶۰۴)، زرقانی (مناهل العرفان، / ۲۳۹-۲۴۰) و صبحی صالح (مباحث فی علوم القرآن، / ۷۰-۷۱).

مهم‌ترین دلیل کسانی که جمع قرآن را مستند به زمان پیامبر می‌دانند، ضعف و تعارض درونی احادیثی است که حکایت از جمع قرآن در زمان خلفا دارد؛ علاوه بر آنکه احادیث جمع با حکم عقل منافات دارد. زیرا چگونه می‌شود با آن همه شهرت، عظمت و اهمیتی که قرآن در نزد پیامبر و مسلمانان داشت، از جمع‌آوری و تنظیم آن غفلت شود. بنابراین نسبت دادن جمع و ترتیب قرآن به زمان خلفا امر موهومی است که با کتاب، سنت، اجماع و عقل مخالف می‌باشد. (خوبی، / ۲۳۹-۲۵۸)

۲. چپش فعلی سوره‌های قرآن هدف تربیتی دارد: اگر توقیفی بودن چپش سوره‌های قرآن را بپذیریم، آن‌گاه این سؤال مطرح می‌شود که این چپش بر اساس چه منطق و حکمتی صورت گرفته است؟

نخستین پاسخ این است که سوره‌های قرآن - به جز سوره حمد - از بزرگ به کوچک تنظیم شده‌اند. اما با اندکی دقت در حجم سوره‌ها و شماره آیات آنها متوجه می‌شویم که این برداشت نادرست است و نمونه‌های زیادی بر خلاف آن وجود دارد. از جمله سوره انفال با ۷۵ آیه در میان سوره‌های بزرگ قرار دارد و سوره بینه با ۸ آیه و حجم تقریبی یک صفحه در میان سوره‌های کوچک قرار گرفته است.

احتمال دیگر این است که سوره‌ها بر اساس یک نوع تناسب لفظی در کنار هم قرار گرفته باشند؛ مثلاً سوره‌هایی که با «حم» یا «الر» شروع می‌شوند، پشت سر هم قرار گرفته‌اند، یا سوره‌هایی که دارای عبارات مشابه هستند، پس از یکدیگر واقع شده‌اند. اما این توجیه نیز در همه جا صادق نیست؛ مثلاً سوره‌هایی که با «تسبیح» شروع می‌شوند، پی در پی نیامده‌اند و سوره «طس» میان دو سوره «طسم شعراء» و



«طسم قصص» فاصله شده است که در مطلع مانند یکدیگرند. همچنین سوره «مطففین» میان دو سوره «انفطار» و «انشقاق» واقع شده است که در آغاز و انجام همانند یکدیگرند. (سیوطی، تناسق الدرر فی تناسب السور، ۳۵۰/)

احتمال دیگری که با بررسی محتوا و غرض سوره‌های قرآن تقویت می‌شود، این است که سوره‌های قرآن بر اساس هدف تربیتی و هدایتی خاصی در کنار هم چیده شده‌اند. به بیان دیگر هدف از نزول قرآن، هدایت انسان‌ها به سوی سعادت و کمال است. ترتیب نزولی سوره‌ها مربوط به زمانی است که هنوز آیین اسلام معرفی و تثبیت نشده بود و هدف اصلی آن تربیت جامعه شرک‌آلود زمان پیامبر بود، اما ترتیب فعلی قرآن برای تربیت و هدایت سایر جوامعی است که پس از ابلاغ دعوت پیامبر و تثبیت آیین اسلام، با قرآن و معارف آن آشنا می‌شوند.

به همین دلیل در ترتیب نزولی، مخاطب قرآن ابتدا با آیاتی مواجه می‌شود که به چالش با مشرکان و پاسخگویی به شبهات آنان پیرامون ربوبیت الهی و قدرت خدا در برپایی معاد می‌پردازد. اما در چینش مصحفی، سوره‌های نخست قرآن به چالش با یهودیان و مسیحیان می‌پردازد و ضمن اثبات نادرستی اعتقادات آنها، به شبهات و ادعاهای واهی آنها پاسخ می‌دهد و پس از آن از سوره انعام به بعد به مواجهه جدی با مشرکان می‌پردازد.

این تفاوت به خاطر آن است که در ابتدای بعثت رسول اکرم، مهم‌ترین مانع برای تثبیت عقاید و شریعت اسلام، افکار و آداب و رسوم اعراب جاهلی بود. اما پس از تثبیت اسلام، در اعصار بعد، مهم‌ترین مانع در جهت گسترش معارف اسلام در جهان دو آیین یهودیت و مسیحیت است.

تفسیر موضوعی قرآن به ترتیب مصحف بر این پیش فرض استوار است که چینش سوره‌ها و آیات در قرآن فعلی به گونه‌ای است که اگر کسی به این کتاب مقدس مراجعه نماید، گام به گام با نکاتی آشنا می‌شود که موجب رشد معنوی او شده و ارزش‌ها و رفتارهای دینی را در وجود او نهادینه می‌کند. بنابراین بررسی یک موضوع به ترتیب مصحف نشان می‌دهد که خداوند سبحان بر اساس چه مدلی

یک موضوع اعتقادی را مطرح کرده است و یا زمینه را برای درونی سازی یک رفتار فراهم نموده است.

آیات نماز به ترتیب مصحف

بررسی آیات نماز به ترتیب مصحف نشان می دهد که قرآن با نظم فعلی به تدریج چه تصویری از نماز را در ذهن مخاطب خود ترسیم می کند و چگونه او را برای پذیرفتن فرهنگ و احکام نماز آماده می نماید. اگر آیات مربوط به نماز را به ترتیب مصحف مرتب نماییم، متوجه می شویم نماز و مسائل مربوط به آن فرآیندی کاملاً متفاوت با مدل نزولی قرآن طی کرده است و همین امر نشان می دهد که مخاطب قرآن در ترتیب نزولی با ترتیب مصحفی از دو فرهنگ و سطح متفاوت برخوردار است.

مدل ارائه موضوع نماز در ترتیب مصحفی از چند مرحله اصلی تشکیل شده است. در این نوشتار تنها آیات نخست قرآن تا پایان سوره نساء بررسی می گردد تا امکان مقایسه مدل مصحفی با مدل نزولی را فراهم شود. گفتنی است که اعدادی که در مقابل سوره ها نگاشته می شوند، بیانگر ترتیب آنها در مصحف است.

۱. بیان هم زمان سه جنبه اهمیت نماز، پاداش نماز و ارزش های همنشین نماز: آیات نماز در گام نخست سه جنبه از ویژگی های نماز را هم دوش یکدیگر مطرح می کند. این آیات که همگی در سوره بقره قرار دارند، مخاطب قرآن را کسی می داند که اجمالاً با مسئله نماز آشناست، اما فرهنگ نماز هنوز در فکر و اندیشه او تثبیت نشده است. از این رو اهمیت نماز، پاداش نماز و ارزش های همنشین با آن تبیین می گردد.

الف) بیان اهمیت نماز: در این آیات برای آنکه اهمیت اقامه نماز را بیان فرماید، به چند امر تأکید می شود. ابتدا اقامه نماز را ویژگی اهل تقوا معرفی می کند؛ (بقره/۲: ۳)، سپس آن را امری می داند که جز بر خاشعین، بر دیگران سنگین و سخت است؛ (بقره/۲: ۴۵). آن گاه آن را به عنوان وظیفه همه پیروان ادیان توحیدی از جمله بنی اسرائیل معرفی می کند؛ (بقره/۲: ۸۳) و سرانجام برپا داشتن نماز را نشانه «بر» و دارا بودن ایمان کامل می داند؛ (بقره/۲: ۱۷۷).



ب) پاداش نماز: در آیات نخست سوره بقره، نماز عامل رستگاری و هدایت معرفی می‌شود (بقره/ ۲: ۳) و به کسانی که نماز و زکات را به جا می‌آورند، پاداشی کامل وعده داده می‌شود (بقره/ ۲: ۱۱۰). سرانجام به اجری ویژه و نداشتن خوف و حزن در آخرت بشارت می‌دهد (بقره/ ۲: ۲۷۷).

ج) بیان ارزش‌های هم‌افزا و همنشین با نماز: بیشترین تأکید در آیات مورد بحث به بیان ارزش‌های همنشین با نماز اختصاص دارد؛ یعنی ارزش‌هایی که زمینه ساز شکل‌گیری یا عامل تثبیت آن ارزش در روح و جان آدمی می‌شود. مهم‌ترین این ارزش‌ها انفاق و زکات است که در آیات ۲، ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷ و ۲۷۷ سوره بقره بر آن تأکید شده است. پس از آن از ارزش‌های دیگر مانند ایمان به خدا (بقره/ ۲: ۳ و ۱۷۷، نساء/ ۴: ۱۶۲)، ایمان به آنچه بر پیامبران نازل شده است (بقره/ ۲: ۴ و ۱۷۷، نساء/ ۴: ۱۶۲)، ایمان به آخرت (بقره/ ۲: ۴ و ۱۷۷، نساء/ ۴: ۱۶۲)، صبر (بقره/ ۲: ۴۵ و ۱۵۳) و انجام اعمال صالح (بقره/ ۲: ۱۷۷ و ۲۷۷) نام برده شده است.

۲. بیان آداب و احکام نماز: نخستین حکم شرعی نماز در آیات قرآن به ترتیب مصحف در آیه ۲۳۸ سوره بقره آمده است. در این آیه با عبارت ﴿حَافِظُوا عَلَی الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ الْوَسْطَى﴾ بر رعایت اوقات و شرایط نماز به ویژه نماز ظهر تأکید شده است. در ادامه احکام دیگری همانند اجتناب از خواندن در حال مستی (نساء/ ۴: ۴۳)، حکم نماز در سفر (نساء/ ۴: ۱۰۱) و کیفیت به جا آوردن نماز خوف (نساء/ ۴: ۱۰۲) بیان می‌شود و بر این اصل تأکید می‌گردد که وظیفه به جا آوردن نماز در هیچ حالتی تعطیل نمی‌شود (نساء/ ۴: ۱۰۳). پس از این حکم در سوره مائده/ ۵: ۶ به مسئله طهارت برای نماز و کیفیت وضو گرفتن می‌پردازد.

۳. نکوهش نمازگزاران غیر واقعی: پس از بیان احکام نماز در سوره نساء، به نکوهش منافقانی می‌پردازد که نماز را دستاویزی برای نیرنگ و خدعه خود قرار داده‌اند و با بی‌حالی نماز خود را به جا آورده و نماز را به خاطر ریا و خوشامد مردم می‌خوانند (نساء/ ۴: ۱۴۲).

تفسیر موضوعی بر مبنای ساختار سوره

نگرش ساختاری به سوره‌ها نگرشی نو و کارآمد به مفاهیم مطرح شده در سوره است و افزون بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی، به عنوان مبنایی در تفسیر موضوعی نیز به کار می‌آید.

روش ساختاری بر نگرش جامع‌گرایانه به معانی سوره‌ها استوار است. بر این اساس و با ژرف‌اندیشی در محتوای آیات هر سوره، مفسر به دنبال یافتن موضوع اصلی سوره، تلاش‌های دامنه‌داری را سامان می‌دهد. آن‌گاه از رهگذر انسجام معنایی سوره، نکات تازه‌ای درباره آن موضوع کشف می‌کند؛ نکاتی که بسیاری از آنها به روش مرسوم تفسیر موضوعی هرگز به دست نمی‌آید.

برای نمونه اگر بخواهیم دیدگاه قرآن درباره اصول وحدت و همگرایی را در جامعه اسلامی بررسی کنیم، بر اساس روش رایج در تفسیر موضوعی باید به آیاتی همانند ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ (انفال / ۴۶) و آیه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات / ۱۰) مراجعه کنیم، سپس با دسته‌بندی آنها بر اساس یک نظم منطقی، به تشریح دیدگاه قرآن در این خصوص بپردازیم.

چالش اصلی این روش آن است که ارتباط مفاهیم و مؤلفه‌های به دست آمده بر اساس یک نظام از قبل تعیین شده است و بیان‌کننده همه زوایا و جوانب مورد نظر قرآن نیست. مثلاً از این راه متوجه نمی‌شویم که چه رابطه‌ای میان ارزش‌های بنیادین قرآن مانند خدا باوری، پیروی از رهبری پیامبران، امر به معروف و نهی از منکر با همگرایی دینی وجود دارد؛ زیرا آیه‌ای که به طور معناداری بین این متغیرها ارتباط برقرار نموده باشد نمی‌یابیم.

اما اگر با نگرش ساختاری این موضوع را در قرآن بررسی کنیم، به نتیجه متفاوتی می‌رسیم. به گفته مفسرانی مانند علامه طباطبایی، هدف سوره آل عمران، دعوت مؤمنان به سوی وحدت و توحید کلمه در برابر دشمنان است (طباطبایی، المیزان، ۵/۳). بررسی ساختار این سوره نشان می‌دهد که قرآن درباره «اصول همگرایی جامعه دینی» چه دیدگاهی دارد و ارتباط این موضوع با سایر ارزش‌های دینی چگونه است.



با مطالعه ساختار سوره آل عمران متوجه می‌شویم که مسئله وحدت و همگرایی در جامعه دینی با مؤلفه‌هایی مانند اطلاع نگرش توحیدی، شناسایی فتنه منافقان، کافران و اهل کتاب و مقابله صحیح با آنان ارتباط دارد و اهل ایمان برای تحکیم وحدت و انسجام درونی خود باید به اموری مانند محور قرار دادن قرآن پیامبر، توجه به برتری مؤمنان، اعتماد نکردن به بیگانگان و توکل به خدا توجه نمایند و خود را از آسیب‌های وحدت مانند تأثیرپذیری از وسوسه‌های دشمنان و قدرناشناسی از رهبران دینی و دلسرد شدن به خاطر مانع‌تراشی دشمنان حفظ نمایند. کشف چنین رابطه منسجم، منظم و معناداری بین عناصر و مؤلفه‌های فوق با بررسی آیات مربوط به وحدت و همگرایی به روش تفسیر موضوعی هرگز میسر نمی‌شود. با دقت در ساختار سوره آل عمران، درک این ارتباط دقیق آسان‌تر خواهد شد.

سوره آل عمران: اصول و راهکارهای حفظ اتحاد در برابر دشمنان

طلیعه سوره: برتری اراده الهی بر اراده دشمنان دین

۱. حاکمیت اراده خدا بر جهان (۱-۴)

۲. ناتوانی و شکست مخالفان در برابر اراده الهی (۴-۶)

گفتار اول: دشمن شناسی (تحلیل ماهیت و فتنه‌های دشمنان دین و روش مقابله با آنان)

۱. مقابله با فتنه منافقان (۷-۹)

۲. مقابله با کافران (۱۰-۱۸)

۳. مقابله با اهل کتاب (با نشان دادن بطلان ادعاهای دینی آنها) (۱۹-۹۹)

الف) ادعای حقانیت آیین اهل کتاب (۱۹-۶۴)

ب) ادعای پیروی حضرت ابراهیم از آیین اهل کتاب (۶۵-۶۸)

ج) کتمان حقایق مربوط به پیامبر اسلام (۶۹-۷۸)

د) ادعای آنکه همه عقاید ما کاملاً از تعالیم پیامبران الهی اخذ شده است (۸۰-۹۲)

ه) ادعای آنکه شریعت و قوانین دین خدا همیشه ثابت است (۹۳-۹۹)

گفتار دوم: وظایف مؤمنان در برابر دشمنان اسلام

۱. حفظ وحدت بر محور قرآن و پیامبر (۱۰۱-۱۰۹)

۲. توجه به برتری مؤمنان واقعی نسبت به دشمنان (اهل کتاب) (۱۱۰-۱۱۷)

۳. اعتماد نکردن به بیگانگان (۱۲۰-۱۱۸)
۴. توکل به خدا و اطمینان به یاری رسانی او (۱۲۴-۱۲۲)
۵. تحکیم اخوت و همدلی اجتماعی بین مؤمنان
گفتار سوم: آسیب‌های اتحاد و اقتدار مؤمنان
۱. سست شدن در اثر شکست از دشمنان دین (۱۴۸-۱۳۹)
۲. تأثیرپذیری از وسوسه‌های دشمنان دین (مبنی بر یاری نکردن خدا از مؤمنان) (۱۵۵-۱۴۹)
۳. قدر ناشناسی از رهبران دینی (۱۷۵-۱۵۶)
۴. دلسرد شدن به خاطر مانع تراشی‌ها و اذیت‌های دشمنان
نتیجه‌گیری: ایمان و پایداری، رمز پیروزی بر دشمنان
۱. ارکان ایمان به خدا (۱۹۴-۱۹۰)
۲. پیامدهای ایمان راسخ و پایداری در دین (۱۹۹-۱۹۵)
۳. خلاصه وظایف مؤمنان برای رسیدن به پیروزی نهایی (۲۰۰)

مبانی تفسیر موضوعی - ساختاری

روش ساختاری در تفسیر موضوعی قرآن بر چند پایه استوار است:

۱. توقیفی بودن جایگاه آیات در سوره‌ها: یکی از پایه‌های اساسی نگرش ساختاری به سوره‌ها، توقیفی بودن چینش آیات در سوره است. به گونه‌ای که برخی از قرآن پژوهان معتقدند که اگر کسی به اجتهادی بودن ساختار سوره‌های قرآن گرایش داشته باشد، دیگر مجالی برای پذیرش این نظریه نخواهد داشت؛ زیرا در این صورت نظم فعلی آیات را محصول تلاش و اجتهاد صحابه می‌داند و طبیعی است که چنین کاری نمی‌تواند از اشتباه یا کج سلیقگی به دور باشد. از این رو دیگر نوبت بررسی حکمت‌ها و ظرافت‌های ارتباط بین آیات نمی‌رسد.

اهمیت و عظمت قرآن، اهتمام فوق العاده پیامبر به حفظ قرآن از تحریف، اهمیت فراوانی که مسلمانان برای قرآن قائل بودند، اجر و ثواب بی‌پایان قرآن خواندن و ... از لحاظ عقلی اقتضا می‌کند که قرآن از نخستین روز نزولش در عصر رسول خدا جمع‌آوری و تدوین شده باشد و هر آیه‌ای جایگاه خود را از روز نخست یافته باشد. از این رو فقیه و قرآن پژوه بزرگی همچون آیت الله خویی



معتقد است که هر روایتی که جمع آوری قرآن را به دوران‌های بعد از پیامبر مستند می‌کند، به دلیل ناسازگاری با این حقایق مسلم تاریخی غیر قابل قبول می‌باشند. (خویی، ۳۹۸/۱)

۲. هماهنگی نگرش ساختاری به سوره‌ها با اسلوب قرآن: نگرش ساختاری به سوره‌های قرآن تلاشی برای کشف نظم درونی سوره‌هاست تا نشان دهد بر خلاف پراکنده‌نمایی محتوای آیات یک سوره، همه آیات آن بر محور یک موضوع واحد قرار دارد. اما مخالفان این نظریه تلاش کرده‌اند تا تکلف‌آمیز بودن و بی‌فایده بودن این نحوه نگرش بر سوره‌ها را اثبات کنند. دانشمندانی همچون شوکانی (شوکانی، ۷۲/۱) و فرید وجدی (وجدی، ۶۹/۱) معتقدند که هر دسته از آیات قرآن مربوط به موضوعی بوده و هیچ‌گونه ارتباطی با هم ندارند و این امر اقتضای سبک ویژه قرآن است.

اما باید توجه داشت که زیبایی و اعجاز قرآن در پراکنده‌نمایی آن نیست، بلکه در جامع‌نگری و پل‌های ارتباطی است که بین موضوعات به ظاهر پراکنده برقرار کرده است. این حلقه‌های ارتباطی که به آنها آرایه‌های ادبی هم گفته‌اند، به گونه‌های مختلف ارائه می‌شوند. تنظیر، تضاد، استطراد، حسن تخلص، اقتضاب و حسن مطلب، برخی از مهم‌ترین آنان هستند که سیوطی در الاتقان به آنها اشاره کرده است. (سیوطی، الاتقان، ۳۴۷/۲-۳۴۳)

طرفداران نگرش ساختاری به سوره‌ها با تکیه بر اصل انسجام متن، در صدد شناسایی عوامل پراکنده‌نمایی سوره‌ها برآمده‌اند. آنان اموری همچون تدبیرزایی و سؤال‌پروری، هدایت‌آفرینی، مراعات میزان درک افراد گوناگون، تأثیرگذاری بر احساسات و عواطف آدمی (گلیجانی، ۱۴۵-۷۹) و غیره را به عنوان حکمت‌ها و فواید پراکنده‌نمایی قرآن برشمرده‌اند و معتقدند که در ورای این آیات به ظاهر پراکنده، ارتباطی دقیق و نامحسوس نهفته است که برای درک کامل معارف قرآن باید بدان دست یافت.

آنان به دلایلی چند برای اثبات هدفمندی سوره‌های قرآن تمسک جسته‌اند. از جمله می‌گویند: قرآن کریم مجموعه‌ای از آیات خود را «سوره» نامیده است. بنا بر

تحقیق، جایگاه آیات در سوره‌ها و تعداد آیات یک سوره کاملاً توقیفی بوده و به دستور پیامبر و بنا بر وحی الهی صورت می‌گرفته است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا قرار دادن تعدادی از آیات در یک سوره بدون هیچ حکمت و تناسبی بوده است؟ آیا ممکن است هر چند آیه در یک سوره، یک هدف جداگانه را دنبال کنند و این اهداف هیچ گونه تناسب و هماهنگی با یکدیگر نداشته باشند؟ اگر چنین است، چرا این آیات در جای دیگر قرار داده نشده‌اند و یا چرا این دسته‌های جداگانه هر یک سوره مستقلاً را تشکیل نداده‌اند؟ به راستی چه مشکلی پیش می‌آید اگر سوره‌های کوچک قرآن بیش از این می‌شدند؟ این سخن که هر دسته از آیات درون یک سوره می‌بایست قدر مشترک و عامل پیوند دهنده‌ای داشته باشند امری بدیهی است، زیرا در غیر این صورت آن مجموعه هویت و شخصیت مستقل از سایر سوره‌ها نخواهد داشت.

دلیل دیگر طرفداران نگرش ساختاری به قرآن اصل ضرورت انسجام در سخن است. این اصل یکی از بدیهی‌ترین اصول فصاحت و بلاغت است که هر سخنوری در رعایت آن سعی تمام و توجه وافر دارد. طرفداران ساختارمندی سوره‌های قرآن بر این باورند که بلاغت در نازل‌ترین حد آن جز با انسجام کلام تحقق نخواهد یافت. آیا ممکن است این اصل در قرآن کریم که در بلندترین قله فصاحت و اوج آسمان بلاغت قرار گرفته است رعایت نشده باشد؟! آیا اگر بگوییم هر سوره قرآن مشتمل بر موضوعات پراکنده و کاملاً نامأنوس است، به فصاحت و بلاغت آن لطمه زده‌ایم؟ آیا اگر بگوییم اعجاز قرآن در همین پراکنده‌گویی‌هاست، به انکار یک اصل مسلم بلاغی و بلکه فطری انسانی برنخاسته‌ایم؟! از این رو باید گفت سوره‌های قرآن کریم در کنار بیان مطالب گوناگون و متنوع، از انسجام درونی نیز برخوردار است.

فرآیند برداشت از ساختار سوره

برای ارائه تفسیری موضوعی بر مبنای ساختار سوره‌های قرآن، ابتدا باید موضوع اصلی و روح حاکم بر سوره را با استفاده از راهکارهای شناخته شده و



قابل قبول کشف کرد، آن گاه با تکیه بر سیاق سوره، فصل‌ها و محورهای فرعی سوره را تنظیم می‌کنیم. (خامه گر، ۱۱۹/ - ۲۰۶)

برای این کار ابتدا فهرستی از مطالب سوره را به ترتیب آیات تهیه می‌کنیم و هر گروه از آیات را که اجمالاً در موضوع مشخصی سخن می‌گویند، جدا کرده و برای آنها عنوانی را در نظر می‌گیریم. آن گاه سعی می‌کنیم که بین این عناوین فرعی ارتباط برقرار نموده و خطوط مشترک آنها را ترسیم کنیم. پس از ترسیم خطوط مشترک، فصل‌های اصلی سوره مشخص می‌شوند.

در برخی موارد پس از تعیین غرض اصلی سوره، باید جمله‌بندی عناوین فرعی را نیز به گونه‌ای که تناسب بیشتری با هدف سوره داشته باشد تغییر دهیم تا مجموع عناوین اصلی و فرعی بتوانند ساختار و نمودار محتوایی سوره را ترسیم کنند. با اتمام این مرحله می‌توان در یک نمودار درختی، غرض سوره و فصول آن را به نمایش گذاشت.

تفسیر موضوعی به سبک مصحفی - ساختاری

اگر مبانی تفسیر موضوعی به ترتیب مصحف و به روش ساختاری را پذیرفته باشیم، آن گاه می‌توانیم با ترکیب آنها روش دیگری در تفسیر موضوعی ابداع کنیم. در این روش همانند روش ساختاری، به مسئله مهم همنشینی موضوعات مطرح شده در قرآن و رابطه طولی و عرضی آنها با یکدیگر توجه می‌کنیم. با این تفاوت که به مفاهیم مطرح شده در یک سوره بسنده نمی‌کنیم و با اعتقاد به آنکه ترتیب فعلی قرآن یک مجموعه هدایتی سازوار و هماهنگ را تشکیل می‌دهد، به چینش آیات مربوط به یک موضوع و ترسیم شبکه ارتباط آن با سایر موضوعات می‌پردازیم. این روش بر یک اصل مهم تربیتی استوار است که در تربیت افراد و ساختن جامعه، ارزش‌های معنوی و هنجارهای اجتماعی به صورت مجزا و کاملاً جدا از یکدیگر قابل تحقق نیستند، بلکه برای پیاده شدن یک ارزش یا هنجار در جامعه لازم است هنجارهای دیگر که پیش زمینه و مقدمه آن به شمار می‌روند، پیش از آن محقق شده باشند و ارزش‌های مکمل آن نیز هم‌زمان با آن تحقق یابند.

برای نمونه رفتاری مانند اهمیت دادن به نماز را در نظر می‌گیریم. بدون شک این رفتار دینی زمانی محقق می‌شود که شخص پیش از آن اعتقاد راسخی به خدا و وابستگی انسان به او داشته باشد. از سوی دیگر به تأثیر اعمال در سعادت انسان اعتقاد داشته باشد و باور داشته باشد که بندگی خدا موجب سعادت اخروی و دنیوی او می‌گردد. افزون بر این رفتارهایی مانند اجتناب از محرمات و پابندی به انفاق در جان و روح او نهادینه شده باشد. یا نهادینه شدن روحیه قانون‌مداری در یک فرد منوط به آن است که او اهمیت رعایت حقوق دیگران را پذیرفته باشد و اصل تقدم مصالح اجتماعی بر منافع فردی را باور داشته باشد و تا حد زیادی به نظم در امور شخصی پایبند باشد.

اگر با پذیرفتن این اصل بخواهیم روش نهادینه کردن ارزش‌های دینی در جامعه از دیدگاه قرآن را بررسی کنیم و چارچوب مهندسی فرهنگی جامعه از نگاه قرآن را ترسیم نماییم، باید با توجه به مبانی پذیرفته شده، قرآن را به روش مصحفی - ساختاری یا نزولی ساختاری مورد مطالعه قرار دهیم.

در روش مصحفی - ساختاری که فعلاً مورد بحث ماست، آیات قرآن را به ترتیب چینش در قرآن مورد مطالعه قرار می‌دهیم، اما به جای آنکه تنها به سیر تطور یک موضوع خاص توجه کنیم، چگونگی طرح سایر موضوعات و مراحل شکل‌گیری آنها و کیفیت ارتباط آنها با موضوع اصلی را نیز بررسی می‌نماییم.

روش مصحفی - ساختاری بر این اساس استوار است که خداوند برای هدایت انسان‌ها و ساختن جامعه‌ای توحیدی و ارزش‌مدار، به همه نکات ریز و درشت و بایسته توجه کرده است و با چینش سوره‌ها و آیات بر اساس یک منطق تربیتی خاص، گام به گام مخاطب خود را به سوی رشد و کمال مطلوب سوق می‌دهد. بنابراین اگر در آیه ۴۳ سوره بقره برای نخستین بار فرمان «وَأَقِمْوُ الصَّلَاةَ» را صادر می‌کند، در آیات پیشین مقدمات اعتقادی و رفتاری آن را فراهم کرده است تا صدور این فرمان لغو و بیهوده نباشد.

برای مطالعه قرآن به این روش ابتدا باید ساختار همه سوره‌های قرآن ترسیم شود تا جایگاه هر بحث در هندسه معرفتی سوره مشخص گردد. با مطالعه ساختار



سوره معلوم می‌شود که قرآن به هر موضوعی از چه منظری پرداخته است، در نتیجه اوامر و نواهی موجود در قرآن در جایگاه خود مورد بررسی قرار می‌گیرد. آن گاه با نمایه زدن به موضوعات، امکان استفاده از آنها در موقعیت‌های دیگر هم فراهم می‌شود. بدین ترتیب هم سیر تطور و شکل‌گیری هر موضوع به طور مجزا بررسی می‌شود و هم در هر مرحله از تکامل یک موضوع، رابطه آن با جایگاه تکاملی موضوعات دیگر نیز مشخص می‌گردد.

برای نمونه اگر به دنبال پاسخ این پرسش باشیم که از منظر قرآن پیش از امر به خواندن نماز، بر چه نکاتی باید تأکید نمود و به روش مصحفی- ساختاری به مطالعه قرآن بپردازیم، با مدل زیر مواجه خواهیم شد.

نخستین آیه‌ای که در آن امر به برپایی نماز مطرح شده است، آیه ۴۳ سوره بقره است که خطاب به بنی‌اسرائیل می‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ﴾. پیش از آنکه این فرمان صادر شود، در بیش از بیست موضوع مختلف آموزه‌ها و گزاره‌های اعتقادی و رفتاری مطرح شده است و هر یک سیر تحول معنایی خاصی را طی نموده‌اند. برای نمونه به موضوعات مطرح شده از ابتدای قرآن تا آیه ۲۵ سوره بقره توجه فرمایید.

۱. توحید (صفات خدا): بیان الوهیت، رحمانیت و رحیمیت خدا (حمد/۱)، تنها خدا شایسته حمد و ستایش است (حمد/۲)، بیان ربوبیت گسترده خدا (حمد/۲)، تأکید بر رحمانیت، رحیمیت و مالکیت خدا به عنوان دلایل انحصار حمد در خدا (حمد/۴-۳)، احاطه خدا به کافران (بقره/۱۹)، قدرت مطلق خدا بر انجام هر کاری (بقره/۲۰).

۲. ایمان به خدا: ایمان به خدای نادیده؛ ویژگی اهل تقوا (بقره/۳)، ادعای دروغین ایمان به خدا؛ ویژگی منافقان (بقره/۸).

۳. افعال الهی: سنت خدا در مهر زدن بر دل کافران (بقره/۷)، سنت خدا در افزودن به بیماری منافقان (بقره/۱۰)، سنت خدا در تحقیر منافقان و افزایش گمراهی آنها (بقره/۱۵)، آفرینش انسان (بقره/۲۲)، آماده سازی زمین برای بهره‌مندی انسان (بقره/۲۲)، برآوردن نیازهای انسان توسط خدا (بقره/۲۲)، آفرینش آسمان و آماده

سازی آن برای بهره‌مندی انسان‌ها (بقره/۲۲)، فرو فرستادن باران برای تأمین نیازهای غذایی انسان‌ها (بقره/۲۲).

۴. معاد: یادآوری مالکیت مطلق خدا در روز پاداش و جزا (حمد/۴)، یقین به جهان دیگر؛ ویژگی اهل تقوا (بقره/۴)، دچار شدن کافران به عذاب بسیار بزرگ در آخرت (بقره/۷)، عدم ایمان منافقان به آخرت (بقره/۸)، عذاب دردناک منافقان در قیامت (بقره/۱۰)، آتش دوزخ از هم اکنون برای کافران آماده است (بقره/۲۴)، آتشگیره آتش دوزخ انسان‌ها و سنگ‌ها (بت‌ها) هستند (بقره/۲۴)، بهشت‌هایی با نهرهای جاری؛ پاداش اهل ایمان در بهشت (بقره/۲۵)، هماهنگی پاداش و عمل اهل ایمان در بهشت (بقره/۲۵)، همسران پاک بهشتی؛ پاداش اهل ایمان در بهشت (بقره/۲۵)، جاودانگی در بهشت؛ پاداش اهل ایمان (بقره/۲۵).

۵. وظایف بندگان در برابر خدا: پرستش خدا، یاری جستن از خدا (حمد/۵)، درخواست هدایت به راه راست (حمد/۶).

۶. انسان: اشاره به سه گروه هدایت یافتگان، مغضوبین و گمراهان (حمد/۷)، اشاره به سه گروه متقین، کافران و منافقان و بیان ویژگی هر یک (بقره/۲۰-۲۱) آفرینش همه انسان‌ها توسط خدا (بقره/۲۱)، برآوردن نیازهای انسان توسط خدا (بقره/۲۲).

۷. تقوا (متقین): بیان ویژگی‌های اعتقادی و رفتاری اهل تقوا (بقره/۴-۲)، هدایت و رستگاری؛ سرانجام تقواییان (بقره/۵).

۸. قرآن: تأکید بر حقانیت قرآن و ویژگی هدایتگری آن (بقره/۲)، ناتوانی کافران از آوردن یک سوره همانند قرآن (بقره/۲۳).

۹. نماز: اقامه نماز؛ ویژگی اهل تقوا (بقره/۳).

۱۰. انفاق: انفاق مستمر؛ ویژگی اهل تقوا (بقره/۳).

۱۱. نبوت: ایمان به پیامبر اسلام و همه پیامبران؛ ویژگی اهل تقوا (بقره/۴)، تأثیرناپذیری کافران از انذار و هدایت پیامبر (بقره/۶).

۱۲. کفر (کافران): تأثیرناپذیری کافران از انذار و هدایت پیامبر (بقره/۶)، از دست دادن قدرت درک حقایق (بقره/۷)، فراخوانی کافران برای آوردن یک سوره همانند قرآن (بقره/۲۳)، ناتوانی کافران از آوردن یک سوره همانند قرآن (بقره/۲۳).



۱۳. نفاق (منافقان): بیان شش ویژگی منافقان شامل ادعای دروغین ایمان، فریبکاری، بیماری درونی، ترویج فساد با ادعای اصلاح طلبی، ادعای روشنفکری و نادان خواندن اهل ایمان، تحقیر و استهزاء مؤمنان با اظهار ایمان دروغین (بقره/۸۱-۵)، خسران و هدایت‌ناپذیری؛ سرانجام منافقان (بقره/۱۶۲-۲۰)، کور و کر و لال بودن منافقان در برابر درک حق (بقره/۱۸).

۱۴. بندگی خدا: دعوت همه انسان‌ها به خداپرستی با بیان دو دلیل درباره آفرینش انسان‌ها و برآوردن نیازهای آنها (بقره/۲۱)، نهی از قرار دادن همتا و شریک برای خدا (بقره/۲۲).

۱۵. زمین: آماده‌سازی زمین برای بهره‌مندی انسان (بقره/۲۲).

۱۶. آسمان: آفرینش آسمان و آماده‌سازی آن برای بهره‌مندی انسان‌ها (بقره/۲۲)، بارش باران از آسمان (بقره/۲۲).

۱۷. ایمان (مؤمنان): تأکید بر ضرورت همراهی ایمان با اعمال شایسته (بقره/۲۵)، بهشت‌هایی با نهرهای جاری؛ پاداش اهل ایمان در بهشت (بقره/۲۵)، هماهنگی پاداش و عمل اهل ایمان در بهشت (بقره/۲۵)، همسران پاک بهشتی؛ پاداش اهل ایمان در بهشت (بقره/۲۵)، جاودانگی در بهشت؛ پاداش اهل ایمان (بقره/۲۵).

اگر این فهرست تا آیه ۴۳ سوره بقره ادامه یابد، مشخص می‌شود که قرآن قبل از طرح مسئله خواندن نماز و یاری جستن از آن، بر چه عناصر معنایی تأکید نموده است و چه مؤلفه‌هایی را در شکل‌گیری و نهادینه شدن نماز در فرد و جامعه مؤثر دانسته و از هر یک بر چه گزاره‌هایی تأکید دارد.

همان گونه که در این فهرست مشاهده می‌شود، در مدلی که از نظم مصحفی قرآن استفاده می‌شود، پیش از آنکه مخاطبان قرآن به نماز امر شوند، بسته‌ای اعتقادی - تربیتی ارائه می‌شود و در آن به تدریج نگرش‌های مخاطب درباره هر یک از موضوعات اساسی مانند توحید، نبوت، معاد، ایمان، کفر، نفاق و ... شکل داده می‌شود تا بنیان‌ها و مقدمات لازم را برای ایجاد حالت بندگی و ایجاد رغبت برای امتثال فرمان الهی درباره نماز و سایر احکام شرعی فراهم آورد.

برای نمونه نگرش خاصی که آیات نخست قرآن درباره معاد و پاداش و جزای روز قیامت می‌دهد، مجموعه‌ای از گزاره‌های هنجارآفرین است که به تدریج مخاطب را به اهمیت و تأثیر معاد در زندگی انسان واقف می‌کند. در این گزاره‌ها ابتدا معاد را با آمیزه‌ای از توحید معرفی می‌کند و روز قیامت را روزی می‌خواند که در آن خدا مالک و فرمانروای مطلق است (حمد/۴). آن‌گاه ایمان به چنین روزی را به مثابه یک ارزش انسانی مطرح می‌نماید و می‌فرماید ایمان به روز قیامت از خصلت‌های افراد باتقواست (بقره/۴) و در مقابل، ایمان نیاوردن به قیامت از خصلت‌های منافقان است (بقره/۸).

در گام بعدی به توصیف عذاب‌ها و نعمت‌های اخروی می‌پردازد. نخستین مرحله در این زمینه بیان هماهنگی کیفر و پاداش اخروی با اعمال دنیوی است (بقره/۲۵-۲۴). این توصیف‌ها همچنان ادامه می‌یابد تا به تدریج یکی از عناصر پایه‌ای نماز یعنی معادباوری شکل بگیرد و مقدمات لازم برای درک و تأثیرپذیری از آنچه در آیه ۴۵ و ۴۶ سوره بقره بیان می‌شود فراهم گردد. در این آیه می‌فرماید: یاری جستن از نماز جز بر خاشعانی که به دیدار با پروردگار باور دارند و معتقدند حتماً به سوی او باز خواهند گشت، سخت و دشوار است؛ ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۴۶﴾. در این دو آیه بین دو ارزش اقامه نماز و معادباوری ارتباط معناداری برقرار شده و مقدمات آن در آیات پیشین فراهم شده است.

با این روش مطالعه قرآن کریم متوجه می‌شویم هنگامی که قرآن در آیات ۱۷۸ تا ۲۴۱ سوره بقره بخشی از احکام مربوط به قصاص، وصیت، روزه، ازدواج و حقوق بیوه زنان را مطرح می‌کند، چه فرایند موضوعی و ساختاری را طی نموده است و چه اموری را به عنوان ارزش‌های پیش‌نیاز نهادینه شدن این ارزش‌ها در جامعه برمی‌شمارد.

تفسیر موضوعی به سبک نزولی- ساختاری

سبک این تفسیر موضوعی همانند سبک پیشین است، با این تفاوت که به جای مطالعه قرآن به ترتیب مصحفی، آن را به ترتیب نزول مطالعه می‌نماییم. این سبک



تفسیری بر همان مبانی بنیان شده است که تفسیر موضوعی به حسب نزول بر آن استوار شده بود؛ یعنی به امکان دستیابی به ترتیب نزول سوره‌های قرآن با استفاده از روش‌های معتبر علمی اعتقاد دارد و به حجیت ترتیب نزول آیات قرآن برای همه زمان‌ها اصرار می‌ورزد. افزون بر این، در تفسیر موضوعی به روش نزولی - ساختاری یک مبنای دیگر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و آن رابطه بین موضوعاتی است که به ترتیب نزول در سوره قرآن مطرح می‌شود.

اگر نخستین سوره نازل شده را سوره حمد یا علق بدانیم و سوره‌ها را به ترتیب نزول بررسی کنیم، در ساختار هر یک به مجموعه‌ای از موضوعات و مفاهیم برخورد می‌کنیم که ضمن ارتباط درون سوره‌ای، از ماهیتی مستقل نیز برخوردارند. مثلاً هر چند آیه ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾^۱ به عنوان دلیلی برای اثبات انحصار حمد در خدای سبحان است، اما بیانگر گزاره‌ای مستقل درباره روز قیامت نیز می‌باشد.

روش تفسیر موضوعی - ساختاری بر این اصل استوار است که موضوعات مستقل معرفتی که به ترتیب نزول در سوره‌های قرآن جای گرفته‌اند، بر اساس روشی مشخص چیده شده‌اند و دارای نظم‌تری و انساز هستند و هر موضوع که پیش از موضوعات دیگر مطرح شده است، به مثابه پیش‌نیاز معرفتی و رفتاری آن به شمار می‌رود.

بنابراین اگر بخواهیم به روش نزولی - ساختاری مدل مورد نظر قرآن را درباره روش نهادینه کردن فرهنگ نماز در جامعه ترسیم کنیم، تنها مطالعه آیات مربوط به نماز به ترتیب نزول کافی نیست، بلکه باید ببینیم که پیش از مطرح شدن یک گزاره پیرامون نماز، سایر عناصر و مؤلفه‌های معرفت دینی مانند توحید، معاد، انسان‌شناسی و... با چه منطقی مطرح شده‌اند و با مطالعه آنها به این نتیجه برسیم که برای نهادینه کردن فرهنگ نماز در جامعه، به این مؤلفه‌ها نیز باید توجه کنیم.

نکته دیگری که در این مطالعه باید مورد توجه قرار گیرد، این است که جایگاه هر عنصر معرفتی در ساختار سوره نیز باید مشخص شود، زیرا تنها در پرتو نگرش ساختاری به سوره است که جایگاه معرفتی هر گزاره نسبت به سایر گزاره‌ها معلوم می‌گردد و مشخص می‌شود هدف نهایی از طرح این گزاره چیست.

برای نمونه به بررسی نظام موضوعات سوره علق که به قول مشهور نخستین سوره نازل شده بر پیامبر اکرم است، می‌پردازیم تا مشخص شود در مدل نزولی قرآن پیش از مطرح نمودن مسئله نماز، چه موضوعاتی و با چه رویکردی مطرح شده است.

۱. خدا: تأکید بر ربوبیت خدایی که خالق است (علق/۱)، بیان قدرت خدا در آفرینش انسان (علق/۲)، تأکید بر بزرگواری و کرامت برتر خدا (علق/۳)، خدا تعلیم دهنده انسان با قلم (علق/۴)، خدا تنها معلم انسان‌ها (علق/۵)، بازگشت همه موجودات به ربوبیت خداست (علق/۸)، خدا ناظر اعمال انسان (علق/۱۴).

۲. پیامبر: یادآوری وظیفه پیامبر در بیان ربوبیت خدا برای مردم (علق/۱ و ۳)، پیامبر بنده ارجمند خدا (علق/۱۰)، پیامبر بر طریق هدایت (علق/۱۱)، پیامبر اهل تقوا و توصیه کننده دیگران به آن (علق/۱۲)، وظیفه پیامبر در بی‌اعتنایی به خواسته‌های مخالفان (علق/۱۹)، سجده به درگاه خداوند، وظیفه پیامبر (علق/۱۹).

۳. انسان: آفرینش انسان از خون بسته (علق/۲)، استعداد انسان برای یادگیری به کمک قلم (علق/۴)، توجه به وابستگی تمام معلومات انسان به خدا (علق/۵)، ناسپاسی انسان در برابر نعمت‌های الهی (علق/۶)، احساس بی‌نیازی عامل طغیان آدمی است (علق/۷).

۴. نماز: نماز مورد تهاجم دشمنان اسلام (علق/۹)، نماز جلوه عبودیت انسان (علق/۱۰)، تأکید بر آشکار خواندن نماز در برابر مخالفان (علق/۱۰)، نمازستیزان مورد نکوهش خداوند (علق/۹)، مخالفت با نماز، مخالفت با هدایت و تقواست (علق/۱۱-۱۲)، حرمت اطاعت از کسی که به ترک نماز فرمان می‌دهد (علق/۱۹)، سجده در نماز موجب تقرب و نزدیکی انسان به خدا (علق/۱۹).

۵. مخالفان پیامبر: ممانعت مخالفان پیامبر از نماز خواندن ایشان (علق/۹)، نکوهش مخالفان پیامبر به خاطر آنکه بدون توجه به تعالیم پیامبر با او مخالفت می‌کردند (علق/۱۱)، تکذیب و روی برگرداندن، روش مقابله مخالفان با پیامبر (علق/۱۳)، نادرستی پندار مخالفان درباره درستی عقاید و اعمال خود (علق/۱۵)، تهدید به عذاب قیامت برای مخالفانی که به رفتارهای خود ادامه می‌دهند (علق/۱۵)، عذاب



مخالفتان در آخرت با روسیاهی و ذلت [گرفتن موی بالای پیشانی] (علق/۱۵)، توصیف مخالفتان به دروغگو و گناهکار (علق/۱۶)، ناتوانی مخالفتان و حامیانشان از مقاومت در برابر مأموران عذاب الهی (علق/۱۸)، ناتوانی مخالفتان برای جلوگیری از گسترش نماز و بندگی خدا در جامعه (علق/۱۹).

۶. معاد: ترسیم عذاب مخالفتان پیامبر در آخرت به صورت گرفتن موی بالای پیشانی آنها (علق/۱۵)، ناتوانی مخالفتان و حامیانشان از مقاومت در برابر مأموران عذاب الهی (علق/۱۸).

همان گونه که در این فهرست ملاحظه می‌شود، در الگوی نزولی قرآن پیش از طرح مسئله نماز، از خالقیت و ربوبیت همه جانبه خدا سخن گفته شده و بر وابستگی انسان به خدا از ابتدای خلقت (علق) تا نیاز به تعلیم الهی در آموزش روش زندگی تأکید شده است. سپس ناسپاسی و طغیانگری انسان در برابر نعمت‌های الهی نکوهش شده است. پس از این مقدمات به مسئله نماز پرداخته است. اما بر خلاف ترتیب مصحفی که نماز از منظر ویژگی‌های متقین مطرح شده بود، در ترتیب نزولی نماز ابتدا از منظر نکوهش مخالفتان و نهی‌کنندگان نمازگزاران و تهدید آنها به عقوبت‌های دنیوی و اخروی مطرح شده است و این امر نشانگر آن است که برای نهادینه شدن نماز در خانواده‌ها و جوامعی که حالت ستیز در برابر اسلام و خداپرستی دارند، تبلیغ فرهنگ نماز باید با تهدید و نکوهش مخالفتان نماز آغاز شود، نه توصیف ثواب و پاداش نماز و در مرحله بعد به بیان جایگاه نماز، در بندگی خدا و نزدیک شدن به او پرداخت.

شبکه معنایی موضوعات قرآن

سبک‌های مختلف تفسیر موضوعی هر یک از زوایای به مطالعه دیدگاه قرآن درباره یک موضوع مانند نماز می‌پردازند، اما هیچ یک نگاهی جامع و کامل از مدل قرآن در تحلیل و بررسی موضوع ارائه نمی‌دهد. برای دستیابی به چنین مدلی باید با استفاده از قابلیت‌ها و توانمندی سبک‌های مختلف، شبکه معنایی موضوع ترسیم گردد.

یک شبکه معنایی به نمایش روابط درونی و برونی یک موضوع می‌پردازد. منظور از روابط درونی، بیان ماهیت و حدود یک موضوع و تبیین ارگانیک درونی و رابطه مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن با هم است. برای ترسیم روابط بیرونی به نوع ارتباط بین این موضوع با سایر موضوعات توجه می‌شود. در مجموع برای ترسیم شبکه معنایی یک موضوع در قرآن باید مؤلفه‌های زیر را درباره آن مشخص نمود:

(الف) مباحث مقدماتی و پیش نیاز موضوع: اهمیت پرداختن به موضوع، پیشینه تحقیق در موضوع، مبانی.

(ب) شناسایی ماهیت موضوع: تعریف، مصادیق، مراتب، انواع و اقسام، فلسفه و حکمت اصلی، جایگاه اجتماعی، ابزار، اصول.

(ج) شناسایی ابعاد و پیامدهای موضوع: احکام، آداب، ارزش، کیفر و پاداش، آثار و عواقب (فردی - اجتماعی).

(د) رابطه با سایر موضوعات: جایگاه موضوع در نظام‌های کلی، موضوعات و مباحث پیش‌نیاز، موضوعات هم‌افق و همنشین.

(ه) فرآیندها (شکل‌گیری - رشد - افول): زمینه‌های پیدایش، منشأ و علل پیدایش، شرایط پیدایش، موانع و علل شکل‌گیری، راه‌های شکل‌گیری، فرایند و مراحل شکل‌گیری، زمینه‌ها و بسترهای رشد در جامعه، فرایند رشد در جامعه، پیامدهای رشد، راه‌های پیشگیری (در ضد ارزش‌ها)، روش نهادینه سازی (در ارزش‌ها)، علل گرایش، راه‌های مقابله، آسیب شناسی.

هر یک از روش‌های تفسیر موضوعی می‌تواند یکی از ابعاد موضوعات قرآنی را پوشش دهد. مثلاً بسیاری از مؤلفه‌های فوق مانند تعریف، اهمیت موضوع، پیامدها، مراتب (درجات)، احکام، آداب، انواع و اقسام، افراد و مصادیق، موانع، شرایط، کیفر و پاداش، منشأ و... را می‌توان با استفاده از روش تفسیر موضوعی رایج مشخص و تبیین نمود.

برای مشخص نمودن فرآیند شکل‌گیری موضوع، رابطه مؤلفه‌های درونی آن و شناسایی مدل ارائه موضوع در عصر بعثت، باید از روش تفسیر موضوعی نزولی بهره جست. برای تعیین رابطه طولی و عرضی موضوع با سایر موضوعات و



دستیابی به مدل ارائه موضوع پس از عصر بعثت، می‌توان از تفسیر موضوعی مصحفی استفاده نمود. برای تبیین رابطه طولی و عرضی یک موضوع با سایر موضوعات در محدوده یک سوره، باید از روش تفسیر موضوعی ساختاری بهره برد و سرانجام برای تبیین رابطه جانشینی و همنشینی بین ارزش‌ها و رابطه معنایی بین آنها در عصر نزول، از روش تفسیر موضوعی نزولی - ساختاری و برای بیان رابطه جانشینی و همنشینی بین ارزش‌ها و رابطه معنایی بین آنها در عصر پس از نزول، از دو روش تفسیر موضوعی مصحفی - ساختاری می‌توان استفاده نمود.

بدین سان با استفاده از روش‌ها و سبک‌های مختلف تفسیر موضوعی می‌توان شبکه معنایی یک موضوع را در قرآن ترسیم نمود و همه ابعاد ماهیت شناسی، معرفتی و روش شناختی آن را تبیین نمود.

منابع و مأخذ:

۱. احمدی، حسین؛ بندعلی، سعید؛ دائرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
۲. بازرگان، مهدی؛ سیر تحول قرآن، تهران، کلمه، ۱۳۶۵ش.
۳. جلیلی، سید هدایت؛ تفسیر موضوعی، چپستی، بنیان‌ها و پیش فرض‌ها، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
۴. خامه‌گر، محمد؛ ساختار هندسی سوره‌های قرآن، قم، بوستان کتاب، بی‌تا.
۵. خوئی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الزهراء ع، ۱۴۰۸ق.
۶. دروزه، محمد عزه؛ الدستور القرآنی و السنة النبویة فی شئون الحیاة، قاهره، عیسی البابی، ۱۳۸۶ق.
۷. سیوطی، عبدالرحمن؛ الاتقان، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳ش.
۸. _____؛ تناسق الدرر فی تناسب السور، بی‌جا، بی‌تا.
۹. _____؛ الدر المنثور، قم، مکتبة آية الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۰. شاکر، محمد کاظم؛ علوم قرآنی، قم، دانشگاه قم، ۱۳۸۷ش.

۱۱. شوکانی، محمد؛ فتح القدير، بيروت، دارالمعرفة، بی تا.
۱۲. صدر، محمد باقر؛ المدرسة القرآنية، قم، مركز الأبحاث و الدراسات التخصصية، ۱۴۷۱ق.
۱۳. طباطبائی، سيد محمد حسين؛ الميزان، قم، اسماعيليان، بی تا.
۱۴. _____: قرآن در اسلام، قم، لوح محفوظ، ۱۴۲۰ق.
۱۵. گليجانی اميرخيز، ايرج؛ معيارهای استنباط اهداف حاکم بر سوره‌ها، پايان نامه،
۱۶. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، بيروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. معرفت، محمد هادی؛ التمهيد، قم، بی نا، ۱۳۹۶ق.
۱۸. _____: تاريخ قرآن، تهران، سمت، ۱۳۷۷ش.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام قرآن، قم، مدرسة الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، ۱۳۶۸ش.
۲۰. نصیری، علی؛ «مبانی کلامی تفسیر موضوعی»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، شماره ۳، ۱۳۸۴ش.
۲۱. نکونام، جعفر؛ درآمدی بر تاريخ گذاری قرآن، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۰ش.
۲۲. واحدی، علی؛ اسباب النزول، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافة، بی تا.
۲۳. وجدی، محمد فرید، المصحف المفسر، بی جا، بی نا، بی تا.
۲۴. يعقوبی؛ تاريخ اليعقوبی، بيروت، دارحياء، بی تا.